

# انترناسیونال

# ۱۰



دوره دوم  
اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
**منصور حکمت**

سه شنبه، ۴ فروردین ۱۳۸۳  
۲۳ مارس ۲۰۰۴

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

www.m-hekmat.com

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

در حاشیه انتشار خاطرات خانم فرح دیبا

سیاوش مدرسی  
صفحه ۴

پیام آوران شادی و آزادی

رحمان حسین زاده  
صفحه ۴

ستون اول

## پیام حمید تقوایی، لیدر حزب، بمناسبت حضور رهبران حزبی، مجید حسینی و عبداله دارابی در شهر مریوان

حضور عبدالله دارابی و مجید حسینی، از اعضای دفتر سیاسی حزب و از رهبران با سابقه، شناخته شده و محبوب مردم کردستان، در شهر مریوان در شب سال نو نمایش شور انگیزی از قدرت و نفوذ و محبوبیت حزب ما در میان مردم بود. رفقای ما در شرایطی در شهر حضور یافتند که رژیم انتظار ورودشان را داشت و از قبل نیروهای مزدورشان را آماده کرد بود. اما هم ما و هم مردم شهر میدانستیم که در برابر قدرت همبسته حزب و مردم رژیم کاری از دستش بر نمی آید.

این اولین بار نیست که رهبران حزبی با حضور در شهرها و سخنرانی برای مردمی که مشتاقانه حول آنان گرد می آیند، کنترل محلات وسیعی از شهر را در دست میگیرند، حاکمیت جمهوری اسلامی را درهم میشکنند و نوید سرنوشتی جمهوری اسلامی و آزادی و برابری را بمیان مردم میبرند. این عملاً نوعی حاکمیت دوگانه بین حزب ما و جمهوری اسلامی در کردستان است. حتی زمانی که اعضای رهبری حزب در میان مردم نیستند، از جمله

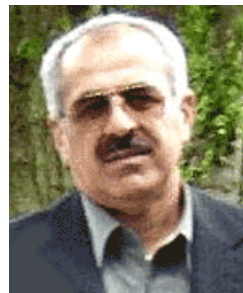
صفحه ۳

## حضور رهبران کمونیست در میان مردم

صفحه ۳

مجید حسینی و عبدالله دارابی

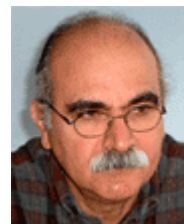
از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران در میان مردم مریوان



## حزب و جامعه در ایران

بحثی در مورد ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی

بخش سوم: علنیت، شخصیتها، کمپینها و تشکله



### جنبش کارگری و شخصیتها

آنچه در مورد سیاسی و سراسری کردن مبارزات کارگری در بخش قبل گفته شد به شیوه مبارزه مخفی و محفلی ممکن و قابل تحقق نیست. مبارزه کارگری امریست علنی. مخفی کاری را حکومتهای دیکتاتوری و پلیس سیاسی به کمونیستها و کلا جنبش چپ تحمیل کرده اند و

امروز این پیشروی و "دستاورد" بورژوازی به يك خصلت و سبک کار در میان فعالین چپ و رهبران عملی جنبش کارگری و کلا جنبشهای اعتراضی در جامعه تبدیل شده است. بسیاری فکر میکنند مبارزه انقلابی و کمونیستی اصولاً امری مخفی است و باید مخفی بماند. یکی از جنبه های مهم نقد منصور حکمت به نیروهای چپ سنتی در

### حمید تقوایی

در مورد نیروهای چپ سنتی بود اما همین بحث، به نظر من حتی به درجات بیشتری، در مورد جنبش کارگری و سبک کار محدود و بسته رهبران عملی و فعالین چپ در این جنبش نیز صادق است. ده ها سال دیکتاتوری و اختناق باعث شده جنبش کارگری نتواند عرض اندام

بحث "حزب و جامعه" و حزب و شخصیتها همین خصلت مخفی کاری ذاتی آنها بود، چپی که بقول منصور حکمت به فعالیت بطنی زیر زمینی و غیر اجتماعی در شرایط یخبندان دیکتاتوری عادت کرده و این نوع کار جزئی از وجودش شده است، بطوریکه بعد از آب شدن یخها هم دیگر قادر نیست به سبک دیگری فعالیت کند. بحث منصور حکمت اساساً

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ حزب و جامعه در ایران

اجتماعی کند و شخصیت‌های سرشناس خودش را داشته باشد. به نحوی که امروز دیگر حتی ایده آل و هدف و خواست ابراز وجود علنی و اجتماعی در میان فعالین چپ و رهبران عملی جنبش کارگری فراموش و مطرود شده و جای خود را به یک نوع سبک کار بسته و درخود داده است.

منصور حکمت در بهمن ماه ۱۳۶۱ در سرمقاله بسوی سوسیالیسم شماره ۵ چاپ مقالات بدون امضا در ادبیات چپ سنتی را نقد کرد و نشان داد که چطور این نوع "مخفی کاری" به بی هویتی و غیر اجتماعی ماندن و عدم قوام گیری و تثبیت سنتها و گرایشهای فکری شناخته شده و متعین در جنبش چپ دامن میزند. این بحث پیشرو و تحول بخشی بود که بعدها منصور حکمت تحت عنوان حزب و شخصیتها آنرا بسط داد و بعنوان یکی از میانی عملی جنبش کمونیسم کارگری تثبیت کرد.

امروز در جنبش کارگری ما با فعالیت بدون امضا طرفیم. اینجا هم این نوع سبک کار محدودنگرانه و بی هویت از تثبیت و قوام گرفتن پیشروها و دستاوردها جلوگیری میکند و اجازه نمیدهد جنبش کارگری یک چهره متعین و شناخته شده اجتماعی داشته باشد.

بحث فقط بر سر مخفی کاری نیست. مساله سبک کار درخود و بسته و محفلی ایست که شرایط دیکتاتوری و اختناق به جنبش کارگری تحمیل کرده است. این نوع محدود ماندن به کار درخود محفلی بی هویتی و بی چهرگی، انزوای اجتماعی، و سیالیت و عدم تثبیت سنتها و دستاوردهای جنبش کارگری و انقلابی را با خود به همراه می آورد، و درد اصلی اینست.

جنبش کارگری متمیزه و بی شکل نیست. محافل و آژیتاتورها و رهبران عملی خود را دارد که مدام در میان کارگران در حال فعالیت اند و در واقع اعتراضات کارگری محصول فعالیت آنهاست. این هم بحثی بود که منصور حکمت اولین بار آنرا مطرح کرد. او در پاسخ به نظرات سنتی که جنبش کارگری را بی رهبر و بی شکل و خودبخودی میدانست، به روی رهبران عملی و محافل کارگری انگشت گذاشت. این

شکل مشخصی است که جنبش کارگری در ایران تحت فشار ده ها سال دیکتاتوری و اختناق بخودش گرفته است. اما امروز جنبش کارگری میتواند و باید از این شیوه مبارزه و تشکل فراتر برود. این شیوه کار محفلی و بی هویت قادر به متحد و سراسری و سیاسی کردن جنبش کارگری نیست.

کلید مساله ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی جنبش کارگری است. بحث حزب و جامعه و حزب و شخصیتها منصور حکمت باید به جنبش کارگری و دیگر جنبشهای رادیکال اعتراضی در جامعه ایران بسط پیدا کند. آیا این امر ممکن است؟ آیا اختناق به ابراز وجود علنی رهبران عملی و فعالین چپ در جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی اجازه میدهد؟

## علنی و مساله اختناق و سرکوب

همانطور که اشاره شد سبک کار بسته و درخود محصول وجود ده ها سال دیکتاتوری و اختناق در ایران است. اما امروز خود این شیوه کار، محدود ماندن به محافل و سبک کار محفلی و مخفی به مانعی بر سر راه ارتقا و پیشروی جنبش کارگری تبدیل شده است. این شیوه کار خود انعکاس و از نتایج مخرب وجود دیکتاتوری در جامعه و علیه جنبش کارگری است که باید با آن مقابله کرد. اما مشکل فقط سلطه پلیسی و توازن قوا نیست بلکه دیدگاهی است که اصولا به کار بی هویت و محفلی قانع است و فراتر رفتن از آن را امر و وظیفه و ایده آل خود نمیداند. در انقلاب ۵۷ همین سنت، در کنار و بعنوان جزء مکمل سازمانهای چپ پوپولیست آنزمان، مانعی بر سر راه ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی جنبش کارگری بود. در فاصله بعد از قیام بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ که آغاز سرکوب و یورش وسیع جمهوری اسلامی به انقلابیون بود عملا به لطف انقلاب و مبارزات رادیکال کارگران و مردم که همچنان بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی ادامه داشت، دیکتاتوری و سلطه پلیسی عملا نفی شده بود و آزادیهای نسبتا وسیع و بیسابقه ای در سطح جامعه وجود داشت. با این وجود جنبش کارگری از لاک خودش بیرون نیامد و رهبران عملی و چپ

جنبش کارگری، که در سطح کارخانه ها و در راس شبکه سنتی محافل خود بسیار فعال بودند و صدها اعتراض و اعتصاب و تحصن را در آن دوره سازماندهی و رهبری کردند، پا بمیدان مبارزه اجتماعی و سیاسی نگذاشتند، و به چهره های شناخته شده در سطح جامعه تبدیل نشدند. مشکل در آن دوره توازن قوا نبود، نداشتن افق و انتظار و توقع ظاهر شدن در سطح جامعه نه تنها بعنوان رهبران جنبش کارگری بلکه بعنوان نماینده خواستهای انقلابی مردم و اعتراضات و مبارزات انقلابی آنان بود. امروز هم مشکل همین است. امروز البته آن آزادیهای دو فاکتوری سالهای ۵۸ و ۵۹ وجود ندارد اما آن سنتهای عقب مانده بر سر جای خود هستند و همچنان به شکل یک مانع داخلی و درون جنبشی عمل میکنند. در بسیاری موارد محدود ماندن به سبک کار مخفی و درخود برخلاف آنچه ادعا میشود امنیت را بالا نمیرد، بلکه بر عکس فعالین را بیشتر ضربه پذیر میکند. بسیاری از رهبران عملی در سطح کارخانه و محیط فعالیت خود برای پلیس شناخته شده هستند. مخفی و بی نام و چهره ماندن آنها در یک سطح وسیع و اجتماعی تنها آنها را بیشتر ضربه پذیر میکند. پلیس فعالین بی نام و بی چهره را راحت تر میتواند دستگیر کند و یا تحت فشار بگذارد. اینجا دیگر سبک کار علنی و شناخته شدن در یک سطح وسیع در جامعه نه تنها فعالین و رهبران عملی را بخاطر نخواهد انداخت بلکه برعکس به امنیت و بقا و ادامه کاری آنها کمک خواهد کرد.

راه حل عملی چیست و چطور میشود در توازن قوای فعلی سبک کار درخود و بسته را شکست و در سطح جامعه ابراز وجود کرد؟ به نظر من توازن قوا قاعدتا باید خود را در مضمون و درجه شدت و حدت ضد رژیم شعراها و مطالبات تاثیر خود را نشان بدهد و نه در نفس ابراز وجود علنی رهبران عملی مبارزات.

من میپرسم آیا در همین سطح فعلی توازن قوا اعلام حمایت علنی و با اسم و رسم کارگران از مبارزات کارگران در کشورهای دیگر ممکن نیست؟ آیا نمیشد تعدادی از کارگران ایران، فرض کنید ۵۰ نفر و یا صد نفر از کارگران پتروشیمی، در یک تومار با امضا و اسم و رسم از اعتصاب کارگران آتش نشانی در

لندن و یا کارگران وسائل نقلیه عمومی در پاریس حمایت کنند؟ و یا از آنها برای خواستهای برحق خودشان مثل پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و یا مقابله با اخراج حمایت بخواهند؟ آیا نمیشود فعالین و رهبران عملی یک مبارزه جاری کارگری، نظیر مبارزات اخیر کارگران پتروشیمی، با امضای خود گزارشی از سیر پیشرفت مبارزات و احیانا مذاکرات و توافقات و عدم توافقاتشان با مقامات را منتشر کنند و از مردم حمایت بخواهند؟ منظور من یک گزارش تند و تیز نیست، بلکه تصویری است از سیر مبارزه و مطالبات و خواستهای از زبان فعالین و رهبران آن. اینها همه ممکن است اگر چنین ایده و تصویر و توقعی از جنبش کارگری داشته باشیم. بحث بیش از آن که بر سر درجه مخفی گری و علنییت باشد بر سر دو شیوه کار مختلف است. شیوه باز و اجتماعی و مدرن مبارزه در مقابل شیوه سنتی محدود و درخود و بی چهره و بی امضا.

## گرایش چپ در برابر گرایش کارگر کارگری

گرایشی که به "کارگر کارگری" معروف است تنوریز کننده و اشاعه دهنده این سبک کار بسته و درخود در جنبش کارگری است. این گرایش به حزب و حزیت معتقد نیست، کارگران را از مبارزه سیاسی و تصرف قدرت دور نگه میدارد و در واقع بدنال سیاستمداران طبقات دیگر میکشاند و لذا سبک کار باز و ابراز وجود اجتماعی فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری اصولا جایگاه و ضرورتی در این دستگاه فکری پیدا نمیکند. وقتی طبقه به صنف تقلیل داده شود، جنبش هم لزومی ندارد که از سطح کارخانه و فابریک فراتر برود. فعالین حزب ما، گرایش چپ و رادیکال سوسیالیست در طبقه کارگر تنها با نقد و طرد این دیدگاه میتوانند راه را برای ابراز وجود اجتماعی جنبش کارگری باز کنند.

در جنبش ما چه در سطح حزب و چه کل طبقه شخصیتهای سر شناس نقشی اساسی و تعیین کننده ایفا میکنند. بدون چنین شخصیتهایی دستاوردها و پیشرویهای جنبش کارگری تثبیت نخواهد شد و پایدار نخواهد ماند. شخصیتها و فعالین و رهبران شناخته شده تجسم و تبلور

انسانی تجربیات و دستاوردهای جنبش کارگری هستند. جنبش بی چهره، بی شکل و بی سنت است، ادامه کار نیست و دستاوردهایش را نمیتواند حفظ کند و به نسلهای بعد منتقل کند.

امروز طبقه کارگر ایران از یکسو حزب قدرتمند خود را دارد و از سوی دیگر گرایش کمونیستی و چپ، آنچه در ادبیات حزب گرایش رادیکال سوسیالیست نامیده شده، گرایش قوی ای در جنبش کارگری است. این گرایش باید لاک سبک کار محفلی و بسته را که میتواند گفت به یک شیوه کار خودبخودی در میان رهبران عملی جنبش کارگری تبدیل شده، در هم بشکند، و در سطح جامعه ابراز وجود کند و خود را بشناساند. طبعا در موردی که رهبران عملی و فعالین چپ با حزب رابطه داشته باشند این رابطه در توازن قوای موجود مطلقا باید مخفی بماند. بحث بر سر ابراز وجود علنی و اجتماعی این فعالین بعنوان رهبران مبارزات کارگری است.

نکته دیگر اینکه جنبش کارگری بستر اصلی حضور چپ در جامعه است اما ابراز وجود اجتماعی فعالین چپ بهیچوجه به جنبش کارگری محدود نمیماند. فعالین چپ در جنبش دانشجویان، زنان، معلمان و سایر اقشار معترض جامعه نیز باید پا بجلو بگذارند و عرض اندام کنند. در این جنبشها نیز چپ عادت کرده است که به سخنگویان و رهبران و نمایندگان گرایشهای دیگر تمکین کند و سرویس بدهد و خود بی چهره و بی هویت باقی بماند. جریانات دیگر اپوزیسیون، در جنبش زنان و در جنبش دانشجویان چهره های سرشناس خود را دارند اما فعالین چپ در این جنبشها، علیرغم کثرت و فعالیت وسیعشان شناخته مانده اند. بی شک شرایط پلیسی در بوجود آمدن این وضعیت نقش داشته است. اما در اینجا هم اختناق و سرکوب توضیح دهنده همه مساله نیست. در اینجا هم آنچه دست و پاگیر است سنت کار بسته و درخود و محفلی است که باید کنار زده شود.

## شخصیتها، تشکله و کمپینها

ابراز وجود اجتماعی شخصیتها و رهبران عملی در جنبش کارگری و در

## از صفحه ۲ حزب و جامعه در ایران

## حضور رهبران کمونیست در میان مردم

## مجید حسینی و عبدالله دارابی

## از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران در میان مردم مریوان

\* مردم مریوان همراه رهبران کمونیست خود به استقبال سال نو رفتند.

\* علیرغم آماده باش کامل نیروهای رژیم، رهبران حزب کمونیست کارگری

ایران وارد شهر مریوان شدند و در اجتماعات مردم حضور یافتند.

حزب همکاری میکردند.

مجید حسینی و عبدالله دارابی پس از سخنرانی و گفتگو با مردم در میان بدرقه گرم اهالی، شهر را ترک کردند. خبر حضور اعضای رهبری حزب در شهر مریوان به سرعت همه جا پیچید.

رژیم اسلامی از اینکه علیرغم آماده باش کامل نتوانست مانع حضور رهبران و نیروی حزب کمونیست کارگری در شهر شود، سراسیمه شده است.

حضور عبدالله دارابی و مجید حسینی در شهر مریوان بخشی از برنامه حضور رهبران کمونیست در میان مردم است. تا بحال چندین بار رهبران حزب کمونیست کارگری در شهرهای مریوان و سنندج حضور پیدا کرده اند. این جز با اتکا به نفوذ توده ای حزب کمونیست کارگری، محبوبیت رهبران آن و حمایت فعال و وسیع مردم ممکن نبود. حضور پی در پی کادرهای رهبری حزب در میان مردم نشانه قدرت کمونیسم کارگری از یکطرف و توازن قوای جدید میان مردم و حکومت اسلامی است. این حرکت اینبار در شرایط اوضاع پرتحول کنونی صورت میگیرد و این به نوبه خود عامل مهمی در ارتقای روحیه مبارزاتی مردم، در گسترش باز هم بیشتر نفوذ حزب و ارتقای فضای انقلابی است.

حزب کمونیست کارگری از مجید حسینی و عبدالله دارابی، تشکیلات کردستان، یدی کریمی مسئول واحد حفاظت و سایر رفقای شرکت کننده در واحد های همراه آنان، که بدلائل امنیتی متاسفانه هنوز نمیتوان از آنها اسم برد، بخاطر جسارت، درایت و هوشیاریشان در انجام این حرکت مهم قلدردانی میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ فروردین ۱۳۸۳

۲۱ مارس ۲۰۰۴

وارد محله تازه آباد شهر مریوان شدند. با ورود این رفقا مردم از منازل خود بیرون آمده و به استقبال آنها آمدند. بسرعت به جمعیت اضافه میشد. واحدهای حفاظتی حزب تمام محله تازه آباد را در کنترل خود گرفتند. نیروهای رژیم امکان هیچ عکس العملی نداشتند. محله در کنترل نیروهای حزب و مردمی بود که برای استقبال از عبدالله دارابی و مجید حسینی و شنیدن صحبت های آنها به خیابانها آمده بودند.

پس از آن عبدالله دارابی و مجید حسینی همراه نیروهای حزب کمونیست کارگری به محله دارسیران و به میدان اصلی این محله رفتند که تا فرمانداری که یکی از نقاط تمرکز نیروهای رژیم است حدود ۲۰۰ متر فاصله داشت. در محله دارسیران نیز مجید حسینی و عبدالله دارابی برای مردم سخنرانی کردند. روحیه تعرضی و مبارزاتی مردم و بخصوص جوانان بسیار برجسته بود، آنها برای همکاری با واحد حفاظتی خود را سازماندهی کرده بودند و فعلا نه برای حفاظت محل با نیروی

عصر روز جمعه ۲۹ اسفند (۱۹ مارس) عبدالله دارابی و مجید حسینی اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و از رهبران سرشناس و محبوب مردم در کردستان تحت حفاظت نیروهای حزب به مسئولیت یدی کریمی عضو کمیته کردستان حزب وارد شهر مریوان شدند و در تجمعات مردم محله های تازه آباد و دارسیران (از محلات اصلی شهر) حضور یافتند و همراه با آنان به استقبال سال نو رفتند. به مناسبت سال نو شهر غرق در شادی بود و صدای آتش بازی و نارنجکهای دستی و فشفشه از همه جای شهر به گوش میرسید.

از حدود دو هفته قبل در شهر شایع بود که حزب کمونیست کارگری در شهر حضور پیدا میکند. از چند روز پیش شهر در حالت حکومت نظامی بود و مزدوران جمهوری اسلامی در اطراف شهر کمین گذاشته بودند. عبدالله دارابی و مجید حسینی همراه با نیروی حزب کمونیست کارگری و با خنثی کردن این موانع در ساعت ۶ بعدازظهر،

ایران خودرو، و یا مخالفت با سنگسار و یا شلاق و قصاص، پیشبرد چنین کمپینهایی کاملاً ممکن و عملی است.

ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی و چپ یعنی مجموعه ای از شخصیتهای شناخته شده نهادهای تشکلهای و کمپین های مبارزاتی در یک مقیاس وسیع اجتماعی. اگر فعالین و رهبران عملی چپ سبک کار بسته و درخودی که به آن خو کرده اند را درهم بشکنند و افق و انتظار و توقع بالاتری از خود داشته باشند، آنوقت اختناق و دیکتاتوری مانع قابل رفعی خواهد بود. اختناق و دیکتاتوری بهمان اندازه که در رواج دادن سبک کار محدود و درخود محفلی نقش داشته است، امروز وجود خود را مدیون چنین نوع فعالیتی است. روی آوردن به سبک کار علنی و اجتماعی خود گام تعیین کننده ای در جهت تضعیف دیکتاتوری و اختناق خواهد بود.

شخصیت و هویت علنی و اجتماعی بخشیدن به رهبران عملی و فعالین چپ در جنبش کارگری و در جنبشهای اعتراضی دیگر آن حلقه اصلی ایست که امروز باید حزب ما برای سازماندهی و رهبری انقلاب در عرصه محلی و مستقیم نبرد بدست بگیرد. نفس وجود حزب و حضور و فعالیتش بعنوان رهبر و نماینده و سخنگوی انقلاب، حضور و ابراز وجود وسیع اجتماعی چپ در جامعه را هم امکانپذیر و هم ضروری میکند. حزب ما میتواند و باید پیشتاز این حرکت و سازمانده و قوه محرکه آن باشد. این بحث، که در واقع بجز امتداد و معنای مشخص عملی بخشیدن به بحث حزب و جامعه منصور حکمت در شرایط مشخص امروز ایران و جنبش کارگری نیست، جنبه ها و گوشه و زوایای متعدد دیگری دارد که امیلوارم در فرصتهای دیگر به آن بپردازم. \*

جنبشهای اعتراضی دیگر راه ایجاد تشکلهای توده ای را نیز هموار میکند. تشکلهای علنی را نمیشود مخفیانه سازمان داد. تشکلهای توده ای علنی هستند و تدارک و سازماندهی آنها نیز تنها میتواند علنی باشد. رهبران شناخته شده باید جلو بیفتند و ابتکار عمل را در دست بگیرند. شوراها و مجامع عمومی در کارخانه ها، انجمنها و کمیته ها و انواع نهادهای دیگر در میان زنان و جوانان و بخشهای مختلف جامعه میتوانند بوجود بیایند مشروط بر اینکه پایه گذاران و هیاتهای موسس شناخته شده ای داشته باشند. نباید و نمیتوان انتظار داشت این تشکلهای از پائین خودشان بجوشند. وجود فعالین و رهبران عملی که امرشان ایجاد چنین تشکلهایی باشد پیش شرط تشکیل آنهاست.

در مورد کمپینهای مبارزاتی مختلف نیز همین امر صادق است. حول مسائل مزمونی نظیر عقب افتادن پرداخت دستمزدها که تقابل با آن مبارزه پیگیر و نسبتاً دراز مدتی را طلب میکند سازماندهی کمپین، یک شیوه متناسب و موثر پیشبرد مبارزه است. نمونه هایی مثل لغو حکم اعدام افسانه نوروزی و کسری رحمانپور، موارد دیگری از کمپینهایی است که میتواند بر سر مسائل عمومی و اجتماعی سازمان داد. تاکنون حزب ما در خارج کشور کمپینهای متعددی را در عرصه های مختلف سازمان داده است. این کمپینها میتوانند در داخل کشور و بوسیله شخصیتها و رهبران عملی جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی دیگر نیز به پیش برده شوند. مسلماً در داخل کشور این کمپینها آزادی عمل خارج را نخواهند داشت اما با اینهمه بویژه بر سر مسائل اجتماعی که حقانیت و مقبولیت عمومی در سطح جامعه دارند، نظیر اعتراض به کشتار کارگران خاتون آباد و تعقیب عاملین آن، پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، اعتراض به جانباختن دو کارگر در

از صفحه ۱

## پیام حمید تقوایی

نیروئی که تنها به کردستان محدود نیست. آنچه امروز در کردستان میگذرد فردا در سراسر ایران اتفاق خواهد افتاد.

من به رفقا مجید حسینی و عبدالله دارابی، رفیق یدی کریمی که مسئولیت نیروی های حفاظتی را به عهده داشته است و سایر رفقایی که در این پروژه سهیم بودند درود میفرستم و از کمیته کردستان حزب بخاطر سازماندهی این عملیات قلدردانی میکنم.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ فروردین ۱۳۸۳، ۲۱ مارس ۲۰۰۴

در شورشهای شهری اخیر که از قبل از مضحکه انتخابات شروع شد و هنوز در شهرهای مختلف کردستان ادامه دارد، قدرت و نفوذ حزب بوضوح قابل مشاهده است. امروز نفوذ و محبوبیت حزب ما در میان کارگران و زنان و جوانان کردستان به یک نیروی عظیم سیاسی تبدیل شده که بیشک بزودی نقشی تعیین کننده در انقلاب سراسری ایران ایفا خواهد کرد. رفقا مجید و عبدالله تبلور و تجسم انسانی این نیروی عظیم اند،

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## پیام آوران شادی و آزادی

(جشن سال نو: مجید حسینی و عبدالله دارابی با مردم شهر مریوان)



## در حاشیه انتشار خاطرات خانم فرح دیبا



سیاوش مدرسی

یکی از آخرین سلسله خاطرات منتشر شده از بقایای خاندان پهلوی، انتشار خاطرات همسر محمد رضا شاه، خانم فرح پهلوی در سن ۶۵ سالگی است. ایشان برای معرفی کتاب خاطراتش مصاحبه ای با مارک ایرونیخ خبرنگار روزنامه تایمز لندن کرده اند و افاضاتی صادر کرده اند که دود از کله هر انسان شریفی بلند می کند.

خبرنگار از نقش ارتش شاه در کشتار میدان ژاله در شهریور سال ۱۳۵۶ سوال می کنند. خانم فرح میفرماید: "تیراندازی از سوی نظامیان نبوده بلکه انقلابیونی که لباس نظامی بر تن کرده بودند تیراندازی کردند." به گفته ایشان "خونی که در عکس ها نشان داده شد خون گوسفند بود و رسانه های گروهی هم که تحت نفوذ مخالفان حکومت بودند به این ماجرا دامن زدند." البته هیچ توضیح نمی دهند که انقلابیون آن گله گوسفند را در آن روز دهمت بار از کدام آغل به میدان ژاله آورده بودند. ایشان باز هم دست بدامان تره های دوران حکومت دیکتاتوری همسرش می شود که اتحاد نامقدس سرخ و سیاه این بلا را بر سر دودمان پهلوی آورد.

این قضاوت کسی است که هیچ ارتباطی با زندگی مردم آن کشور نداشته و امروز هم ندارد، این قضاوت ایشان در مورد رویدادهایی است که قربانیان آن همان مردمی بودند که بجرم مخالفت با دیکتاتوری در هر دو نظام شاهی و اسلامی سلاخی شدند و به خاک و خون کشیده شدند. خانم فرح پهلوی ممکن است حافظه شان را از دست داده باشند اما حافظه مردم را نباید دستکم بگیرند، راستی پاسخ این درجه از وقاحت چیست؟ ایشان بقول روسو پیش از هر چیز مولود شرایطی هستند که در آن زندگی کرده و میکنند اما با ضریب بالایی از سفاقت و وقاحت.

ژان ژاک روسو متفکر برجسته انقلاب کبیر فرانسه در طول زندگیش اجازه انتشار کتاب اعترافاتش را نداد، این کتاب در حقیقت شرح خاطرات روسو است و سندی بسیار جذاب در اثبات این تر سیاسی - اجتماعی او است که انسان مولود شرایط اجتماعی است و هیچ تقدیر و اراده ای سرنوشت او را از پیش رقم نمی زند. او اعترافات را با این جملات آغاز می کند: "من در نوشتن این کتاب قصد دارم قیافه حقیقی انسان را آنطور که هست نشان بدهم و این انسان واقعی خودم هستم."

بعد از گذشت یک قرن و نیم از دوران روسو هنوز با خاطره نویسی هایی از نوع قرون وسطی در ایران روبرو هستیم، بدون اغراق کمتر کتاب خاطراتی را میتوان پیدا کرد که به سندی در جهت اثبات اهداف سیاسی روز نویسندگان آن تبدیل نشده باشد. خاطره نویسه گذشته شان را بعنوان سندی در جهت اثبات فعالیت های روزشان می نویسند، خاطرات و حقایق تا آنجا بیان می شوند که خیری برای فعالیت امروز داشته باشد. دوروغ، ریا، قلب حقایق، ضایع کردن و یا تعاریف غلو آمیز از شخصیت ها و رنگ افسانه ای زدن به رویدادها جوهر سبک نگارش این نوع خاطره نویسی ها است. به خاطرات توده ایها نگاه کنید، از انور خامه ای گرفته تا بابک امیر خسروی، به خاطره نگاری رفسنجانی، منتظری و بنی صدر نگاهی بیاندازید، خاطره پردازی انواع تیمسارها، درجه داران و افراد فامیل محمد رضا پهلوی را سیاحت کنید. چه چیزی دستگیرتان می شود؟ همیشه حق با آنها بوده است، خودشان قهرمان بلانماز رویدادها و طرف محق کشمکشهای سیاسی بوده اند. تنها هدف تمام کوه این خاطره پردازی ها توجه دادن به بر حق بودن آنها در دیروز، امروز و لابد آینده است.

نشاط دیگری داشت.

رفقای عزیز مجید حسینی و عبدالله دارابی!

رفیق یدی کریمی و دیگر رفقای شرکت کننده در حرکت بزرگ شهر مریوان

بسیار سخت است برای مبتکران چنین حرکت بزرگی از اهمیت آن صحبت کرد. ما و مردم تشنه آزادی در ایران و در حزب کمونیست کارگری میدانیم، اینبار هم حضور مستقیم شما در میان مردم مریوان، گامها جنبش مان را به جلو سوق داده است. میدانیم در این مقطع حساس سیاسی تناسب قوا را به نفع مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی تغییر میدهد. میدانیم انجام چنین پروژه های بزرگ و به قول منصور حکمت "کارهای هرکولی" لازمه به پیروزی رساندن انقلاب و حزب کمونیست کارگری است. بیشک حضور دوباره شما در میان مردم مریوان، در شب سال نو، حلقه مهمی از تحکیم ارتباط و همگامی مبارزاتی حزب کمونیست کارگری و کارگران و توده مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و بنیاد گذاشتن جمهوری سوسیالیستی است.

از جانب جنبش آزادیخواهانه ای که این حرکت مهم را از آن خود میداند، از جانب حزب کمونیست کارگری و تشکیلات کردستان حزب، به همه شما عزیزان درود میفرستم، دستتان را میفشارم و در آغوشتان میگیرم. موفقیت تان را در زندگی و مبارزه پیشرو آرزومندم.

همینجا از مردم مبارز مریوان، از زنان و مردان آزادیخواه، از جوانان پر شور و رزمنده ای که با استقبال و همکاری بی نظیر یار و یاور شما در به سرانجام رساندن این حرکت بزرگ بودند، عمیقاً قدردانی میکنم.

رحمان حسین زاده

دبیر تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

دوم فروردین ۱۳۸۳

۲۲ مارس ۲۰۰۴

Tel: 0046 739 855 837  
email: r\_hoseinzadeh@yahoo.com

نیروی وسیع سرکوبگر و کمین هایشان را در دور تا دور شهر، در خیابانها و میداین و محلات شهر با ابتکارات جسورانه خود و مردم به تمسخر گرفتند. پیام تبریک سال نو، پیام شادی و آزادی و برابری، پیام حزب کمونیست کارگری، پیام تبدیل سال آتی را به سال گسترش انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی مستقیماً به میان مردم بردند. جوانان پر شور در اوج شادی و شور و شعف به دور شخصیهایی گرد آمده بودند، که بارها و بارها داستان مبارزه و نقش و تاثیرات آنها را از زبان پدر و مادر و بزرگان خود شنیده بودند. اکنون شادی سال نو را با آنها سهیم بودند. چشم در چشم آنها دوخته و با اشتیاق پای سخنرانی و فراخوانشان برای زیر و رو کردن این وضعیت جهمی نشسته بودند. آن شب و آن لحظات برای جوانان و مردم مریوان، برای عبدالله دارابی و مجید حسینی از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری و برای یدی کریمی عضو کمیته کردستان و مسئول نیروی حفاظتی این پروژه بزرگ و همه همراهان عزیز که هنوز نمیشود علناً از آنها نام برد، فضایی دیگر و

غروب روز جمعه ۲۹ اسفند ۱۳۸۲ در جشن و شادی نوروز، مردم مریوان از رهبران و شخصیهایی محبوب سه دهه مبارزاتشان مجید حسینی و عبدالله دارابی پذیرایی کردند. زنان و مردان آزادیخواه در محلات داریسیران و تازآباد شهر مریوان، کسانی را در میان خود داشتند، که ۳۰ سال است، تحرك و مبارزه و نام آنها الهام بخش مبارزاتشان است. مبارزه مردم مریوان علیه رژیم سلطنتی، در دوران سراسر تحرك و مبارزه انقلاب ۵۷، علیه جور و ستم ارتجاع، علیه جمهوری اسلامی و علیه هر نیرو و جریان که قصد تعرض به حقوق مردم را داشته است، با تلاش رهبران و شخصیهایی کمونیست متعدد در آنجا و در راس آنها عبدالله دارابی و مجید حسینی عجب است. در اولین ساعات جشن سال نو ۱۳۸۳ پیشگامان سه دهه مبارزه کمونیستی و اجتماعی در حمایت مردمی که سی سال است به حمایت آنها متکی اند. بار دیگر حاکمیت سپاه اسلامی را نقص کردند. با قدرت اجتماعی و حفاظتی حزب کمونیست کارگری، حکومت نظامی را در آن شب به هیچ گرفتند، حضور

### تلویزیون کانال جدید

هر شب ساعت ۸ تا ۹ بوقت تهران

تلفن: ۰۲۶۶۷۰۴۰۳۱۰ (۰۱۱)

ای میل: Ali\_Javadi@yahoo.com

### تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

تلفن: ۰۰۴۴ ۷۸۱ ۵۹۰ ۲۲ ۳۷

ای میل: wpitv@yahoo.co.uk

\*\*\*\*\*

### مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: horizontal

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب